

راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها

محمود یزدان فام*

مقدمه

راهبرد جامع آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در ۲۱ مهرماه در قالب گزاره برگ^۱ کاخ سفید و سخنان رئیس جمهور آمریکا اعلام شد. این نوشتار ابتدا به بررسی اهداف این راهبرد می پردازد و سپس ابزارها و سازوکارهای اجرای این راهبرد را مورد بحث و بررسی قرار می دهد.

الف. اهداف راهبرد ترامپ در مورد ایران

بررسی سخنان ترامپ و گزاره برگ کاخ سفید نشان دهنده اهداف گوناگونی است که برخی از آن ها معطوف به داخل آمریکا و برخی معطوف بیرون و برخورد با جمهوری اسلامی ایران است. این اهداف را به اجمال می توان به شکل زیر صورت بندی کرد:

۱. **نابودی میراث اوپاما:** رویکرد و اقدامات ترامپ نشان دهنده آن است که اوپاما را «دگر» خود می داند و بنابراین سیاست ها و اقدامات وی اغلب در راستای نفی اوپاما و میراث اوست. ترامپ نشان داده است که شناخت درستی از ایران و محتوای برجام ندارد، اما از نظر او چون

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

این توافق از سوی دولت اوپاما نهایی شده است، باید از بین برود. اوپامادایی به یکی از اهداف مهم ترامپ در سپهر سیاسی آمریکا تبدیل شده است و عملاً عقلانیتی هم در پشت آن نیست. نفی گذشته، نقش مهمی در انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا داشته است و در شکل‌گیری راهبردهای داخلی و سیاست خارجی دولت وی در مقابل بازیگران دیگر از جمله ایران نیز جایگاه بسیار اساسی دارد.

۲. خروج کم‌هزینه از برجام: ترامپ برجام را بدترین توافق و توافقی شرم‌آور برای آمریکا خوانده است، اما به دلیل سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در این توافق، خروج یک‌جانبه از آن بسیار پرهزینه است. انزوای بین‌المللی، بی‌اعتباری دیپلماسی، تشدید منازعات در مناطق مختلف جهان و تشدید مخالفت‌های داخلی با ترامپ از جمله هزینه‌های آن است. ترامپ برای این که بتواند برجام را نابود کند، استراتژی واردکردن زخم‌های متعدد به این توافق و جلوگیری از بهره‌گیری ایران از دستاوردهای آن را در پیش گرفته است. وی برای این کار به دنبال ایجاد فضای روانی منفی علیه جمهوری اسلامی ایران و برجام است. ارسال برجام به کنگره و اعمال تحریم‌های جدید به بهانه‌های متعدد، راه کارهای ترامپ برای زخمی کردن برجام و بی‌بهره کردن ایران از توافق هسته‌ای هستند؛ تا از این طریق افراد و گروه‌هایی در ایران در موضع برتر قرار گرفته و دست به اقدامات تندتر زده و عملاً از برجام خارج شوند. در این حالت، برجام با هزینه ایران نابود خواهد شد و ترامپ از شر آن رها شده و عملاً مناسبات تهران و واشینگتن به دوره قبل از برجام بازگشته و بار دیگر جهان علیه خطر فعالیت‌های هسته‌ای ایران متحد شود.

۳. جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران و تضعیف جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی: ارزیابی ترامپ این است که تحریم‌های قبلی بسیار موفق بودند و معتقد است در زمانی که حکومت ایران در اثر تحریم‌ها در حال نابودی بود، اوپاما با تن‌دادن به مذاکره و توافق هسته‌ای، آن را از شکست حتمی نجات داد. در این راستا، هدف ترامپ بازگشت به دوره قبل از برجام و تضعیف توان و قدرت ملی ایران از طریق اعمال تحریم‌های همه‌جانبه است. دولت ترامپ بر این باور است که آمریکا در همان ابتدا همه امتیازات را به ایران داده و با تحویل مبالغ کلان و آزادکردن مبالغ بلوکه‌شده، جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده و به این ترتیب، زمینه فعالیت‌های گسترده ایران در خاورمیانه را فراهم کرده است. در چنین شرایطی، تهدید تحریم‌ها

باید به صورت عملی بازگردد و اگر برجام مانع آن است، باید با طرح ادعاهای متعدد علیه ایران و بزرگ کردن خطر بازگشت تحریم‌ها، از هرگونه سرمایه‌گذاری در ایران جلوگیری کرده و مانع از عادی شدن مناسبات ایران با کشورهای دیگر شد. همچنین، با ترویج ایران‌هراسی و تلاش برای دوباره امنیتی کردن ایران و همچنین، مقابله با جمهوری اسلامی ایران در منطقه به روش‌های مختلف ممکن، دولت ترامپ سعی دارد جایگاه و نفوذ ایران در منطقه را تضعیف و محدود کند.

۴. حمایت از متحدان منطقه‌ای و دستیابی به دلارهای پادشاهی‌های ثروتمند خلیج

فارس: از نظر ترامپ، ایران تهدیدی اساسی علیه امنیت اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آمریکاست. ترامپ و نتانیاهو نگرش به شدت منفی یکسانی علیه جمهوری اسلامی ایران دارند. نتانیاهو در سال گذشته برای پایان گرفتن دوره اوباما لحظه‌شماری می‌کرد. استقبال او از ترامپ بسیار آشکار بود. بلافاصله بعد از سخنرانی ترامپ، نتانیاهو در سخنانی از راهبرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده و سخنان ترامپ را به صورت کامل مورد تأیید و تمجید قرار داد. لابی اسرائیل در سوق دادن ترامپ به تقابل با ایران نقش مهمی دارد و این باعث شده تا ترامپ به منطقه بیشتر از منظر اسرائیل نگاه کند. اسرائیل نقش مهمی در شکل دادن به راهبرد جدید آمریکا دارد. در گام دوم، متحدان سنتی آمریکا در منطقه مانند عربستان و امارات از این راهبرد آمریکا حمایت کردند. ترامپ از طریق دامن زدن به ایران‌هراسی، سلاح‌های خود را به قیمت گزاف به پادشاهی‌های نفتی ثروتمند خلیج فارس می‌فروشد و زمینه‌ای منطقی و توجیه‌پذیر برای تداوم حضور نظامی کشورش در منطقه به دست می‌آورد.

۵. تغییر رژیم در ایران: شواهد حاکی از آن است که آمریکا در دوران ترامپ به سیاست

مهار و تغییر رژیم در ایران بازگشته است. جمهوری خواهان به ویژه دولت ترامپ، مسئله اصلی خاورمیانه را ایران می‌دانند. آن‌ها به ایران همانند داعش می‌نگرند و آن را تهدید اصلی برای منافع آمریکا قلمداد می‌کنند. نگاه افراد ایدئولوژیک اطراف ترامپ مانند نیکی هیلی، جان بولتون و حتی مایک پمپئو به ایران بسیار منفی است. البته شخص ترامپ، فرد ایدئولوژیکی نیست و بارها از لزوم تقدم استراتژی بر ایدئولوژی سخن گفته است و همچنین، برخی از اعضای دولت وی مانند جیمز متیس، رکس تیلرسون، جان کلی و مک‌مستر نیز بیشتر عمل‌گرا و واقع‌گرا هستند تا ایدئولوژیک. با این حال، در حال حاضر سیاست اعلامی دولت ترامپ،

تغییر رژیم در ایران است. البته این به معنای آن نیست که آمریکا قصد داشته باشد با زور و اقدام نظامی در ایران این پروژه را به انجام برساند.

به نظر می‌رسد در این راستا، دولت ترامپ به دنبال اعمال سیاستی مشابه سیاست ریگان در قبال شوروی در برابر ایران است. برخی از افراد دولت ترامپ معتقدند حکومت ایران هم اکنون شرایطی مشابه شوروی دهه ۱۹۸۰ دارد و می‌توان با در پیش گرفتن رویکردی ریگانی، به فروپاشی آن یاری رساند. اکنون یک مانع بزرگ که در مقابل این سیاست وجود دارد، برجام است. ترامپ معتقد است که ایران قبل از برجام در اثر تحریم‌ها در بدترین شرایط قرار داشت و عملاً به کنج دیوار برده شده بود، اما او با اشتباه کرد و به جای اینکه گلوی ایران را بگیرد و آن را خفه کند، دست آن را گرفت و ایران را از کنج دیوار بلند و از نابودی حتمی نجات داد.

ب. سازوکارهای راهبرد ترامپ در برابر ایران

در راهبرد جامع آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهایی آشکار و پنهان برای مقابله و برخورد با جمهوری اسلامی تدارک دیده شده است. مهم‌ترین این ابزارها و سازوکارها عبارتند از:

۱. بازنمایی چهره اهریمنی از ایران: ترامپ تا کنون تلاش بسیار گسترده‌ای برای ترسیم و تصویر چهره‌ای شیطانی از جمهوری اسلامی ایران در جهان انجام داده است. وی در سخنرانی ۲۱ مهرماه که راهبرد دولت خویش درباره جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد، تلاش کرد جمهوری اسلامی ایران را عامل همه خرابی‌ها و بدی‌ها در منطقه و حتی جهان نشان دهد. ترامپ در این مورد حتی بسیار از جورج بوش هم فراتر رفته است و اتهامات واهی جدیدی نیز علیه ایران طرح کرده است. ترامپ در سخنرانی فوق، با مروری بر اقدامات جمهوری اسلامی ایران در چهل سال گذشته، سعی کرد از ایران نزد جامعه بین‌المللی تصویر منفوری بسازد. او دائماً از واژه‌هایی مانند «رژیم» یا «دیکتاتوری» به جای «جمهوری اسلامی ایران» استفاده کرد و به این ترتیب، علاوه بر اینکه نشان داد حکومت ایران را به رسمیت نمی‌شناسد، سعی کرد ایران امروز را معادل رژیمی خرابکار و بدسرشت برای دنیا تصویر کند. ترامپ از اتهاماتی همچون همکاری پنهانی با کره شمالی، دیکتاتوری در داخل، ثبات‌زدایی در منطقه، حمایت از تروریسم، تهدیدات

موشکی علیه دیگران، توسعه‌طلبی منطقه‌ای و انجام حملات سایبری در فضای مجازی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در راستای این هدف خویش استفاده کرد.

۲. امنیتی کردن ایران: امنیتی کردن یک بازیگر در نظام بین‌المللی به معنی این است که آن بازیگر تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و باید تمام اعضای جامعه بین‌المللی به صورت یک‌پارچه و با استفاده از تمام توان و به شکل‌های گوناگون علیه آن اقدام کنند. اگر این ادعا در شورای امنیت و در ذیل فصل هفت منشور مورد تأیید قرار گیرد، عملاً امنیتی بودن آن بازیگر به رسمیت شناخته می‌شود. در این حالت، دست همگان برای اعمال فشار علیه بازیگر امنیتی شده باز است. برجام، ایران را از وضعیت امنیتی شده خارج کرده است و تیم ترامپ به دنبال بازگرداندن وضعیت پیش از برجام و «باز امنیتی کردن» ایران هستند. دیوسازی از ایران و طرح ادعاهای گسترده علیه ایران در این راستاست. از نظر دولت ترامپ، با دوباره امنیتی کردن ایران، هراس از آن در جهان گسترش یافته و بسترهای هرگونه سرمایه‌گذاری در آن از بین می‌رود و بنیان‌های قدرت آن به مرور تضعیف و در نهایت از بین می‌رود.

۳. فشار مداوم و گسترده بر ایران: هدف از ترسیم چهره‌ای اهریمنی از ایران و امنیتی کردن دوباره آن، فراهم کردن شرایط برای فشار گسترده بر جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، جلوگیری از بهره‌مندی ایران از مزایا و پیامدهای برجام برای ترامپ اهمیت بسیار زیادی دارد و البته چون لغو یکجانبه آن را پرهزینه می‌بیند، فشار مداوم، ممتد و گسترده‌ای به ایران وارد خواهد کرد تا فضای مناسبی برای سرمایه‌گذاری در ایران فراهم نشود. او بر این باور است که با برجام، اقتصاد ایران احیا شده است، در حالی که نباید اجازه داد که این کشور قدرت اقتصادی و ارتباطی خود را بازسازی کند. فشار مداوم و گسترده ممکن است در نهایت با واکنش تند ایران روبرو شود. در این حالت، دولت ترامپ می‌تواند هزینه‌های خروج از برجام را به دوش ایران گذاشته و به راحتی به دوره قبل از برجام بازگردد. باب کورکر و تعداد قابل توجهی از سناتورهای جمهوری خواه و دولت مردان ترامپ از این گزینه پشتیبانی می‌کنند. در این حالت، آمریکا گام بزرگی را به سوی عملیاتی کردن سیاست تغییر رژیم برمی‌دارد.

۴. تحریم‌های متعدد و غیرهسته‌ای: دولت ترامپ در همان آغاز اعلام این راهبرد دست به اقداماتی زد که نشان‌دهنده جهت‌گیری آن است. در قالب این راهبرد، ترامپ حاضر نشد برای بار

سوم پای بندی ایران را به برجام تأیید کند. آن ها اعلام کردند که ایران روح برجام را نقض کرده و در منطقه دست به اقداماتی زده است که با برجام سازگار نیست. به همین دلیل، تصمیم گیری در این مورد را به کنگره واگذار کرده است. محول کردن تصمیم گیری در خصوص برجام به کنگره به دلیل آن است که اولاً: اعلام پای بندی ایران به توافق هسته ای با تصویری که دولت ترامپ قصد دارد از ایران بازنمایی کند، در تناقض است. ترامپ نمی خواهد هر روز ایران را حامی تروریسم و رژیم بی ثبات ساز در منطقه عنوان کرده و بعد از سه ماه اعلام کند که ایران به برجام پای بند بوده است. ثانیاً: ترامپ با این کار بخش مهمی از تلاش برای تخریب برجام را به دوش کنگره گذاشته است. کنگره با طرح و اعمال تحریم های غیرهسته ای به ایران می تواند در دامن زدن به ناامنی و ایجاد بی ثباتی در فضای اقتصادی ایران مؤثر باشد. دستور اعمال تحریم علیه کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی خزانه داری به همراه تصویب اعمال تحریم های متعدد بر افراد سازمان های بیشتر از سوی کنگره به بهانه های متعدد می تواند فشارها بر ایران را افزایش دهد. در این راستا، احتمالاً شاهد تصویب و اعمال تحریم های جدید به بهانه های موشکی، حقوق بشری، تروریستی و منطقه ای علیه ایران خواهیم بود. همچنین، تلاش برای اقناع و فشار به متحدان برای اعمال فشار و تحریم علیه ایران در این زمینه ها نیز در دستور کار دولت ترامپ قرار دارد.

نتیجه گیری

راهبرد اعلام شده از سوی ترامپ در مورد ایران نشان می دهد دولت جدید آمریکا قصد دارد فشارها و اقدامات همه جانبه ای را بر علیه جمهوری اسلامی ایران پی ریزی کند. برای مقابله با آن، ایران نیاز به یک استراتژی منسجم و حساب شده دارد که حاصل اجماع در سطح نخبگان سیاسی باشد. در واقع، سرنوشت راهبرد دولت آمریکا و پیامد تلاش های ترامپ برای برخورد با ایران، تا حد زیادی به نوع بازیگری جمهوری اسلامی ایران، هم در سطح سیاست اعلامی و هم در سطح سیاست اعمالی، بستگی دارد. نباید این بازیگری به گونه ای باشد که تحقق اهداف راهبرد ترامپ را ممکن کند. برای نمونه، واکنش های تند و هراس آور می تواند به عنوان شاهدی بر هویت برساخته آمریکا از جمهوری اسلامی ایران عمل کرده و به شکل گیری اجماعی قدرتمند در داخل آمریکا، منطقه و جهان در راستای اعمال فشار بر ایران منجر شود.